مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۱۹ ، بهار ۱۳۹۹جلد۳، ص ۷۵-۶۲
http://www.jase.ir

نقش بسیج سیاسی در مشارکت حداکثری انتخابات مجلس شورای اسلامی: راهبردها و راهکارها

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال ششم)
شماره ۱۹ / بهار ۱۳۹۹ / ص ۷۵-۶۲

مجتبی نوروزی[1]، زهره مرندی[2]

[1] استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهر کرد

[2] دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

نویسنده مسئول:

زهره مرندی

چکیده

موضوع این پژوهش تحلیل مشارکت حداکثری افراد در انتخابات مجلس شورای اسلامی است. از اینرو ضمن واکاوی مختصر از رهیافت هایی که به مشارکت حداکثری در انتخابات تاکید دارد، بسیج سیاسی به عنوان مهمترین عامل در به حداکثر رساندن حضور مردم در صحنه انتخابات مورد توجه قرار گرفته است. به منظور صیانت از نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فهم از نوع، چگونگی و عوامل موثر بر مشارکت مردمی در انتخابات مجلس به عنوان تجلی تمام عیار از مردمسالاری دینی، مهم می نماید. با این مفروضه که بسیج سیاسی از مهمترین ارکان تهییج مردم در صحنه مشارکت است، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که در چرخه انتخابات ابعاد و مختصات بسیج سیاسی چگونه باید باشد؟ در پاسخ به این سوال، پژوهش حاضر تلاش خواهد کرد تا با استفاده از الگوی بسیج منابع چارلز تیلی به چارچوبی برای مشارکت حداکثری دست یابد. از این رو نگارندگان این پژوهش تلاش کردند تا الگوی بسیج منابع را با چهار عامل جمعیت، ایدئولوژی، رهبری و سازماندهی در ظهور پدیده های تحول محور مانند انقلاب، به عاملی تحول بخش در مقیاسی کوچکتر یعنی انتخابات به عنوان انقلاب درونی در یک نظام تعمیم داده و از امکانات تحلیلی و روشی این نظریه در تبیین مشارکت سیاسی در چرخه انتخابات استفاده نمایند. بر این مبنا، هدف اصلی مقاله ارائه راه کارهایی در نیل به مشارکت حداکثری افراد در انتخابات مجلس شورای اسلامی می باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، انتخابات، بسیج سیاسی، مجلس شورای اسلامی

۱. مقدمه

اگر مجموعه تعاریف از مشارکت سیاسی به شکلی ساده به دو بعد تقسیم شود، در بحث از مشارکت سیاسی در انتخابات لازم است بر دو جنبه از آن تاکید گردد. مشارکت برای کسب قدرت و مشارکت در رأی دهی. در رهیافت اول، مشارکت برای کسب قدرت از سوی احزاب و گروههای مختلف سیاسی برای کسب قدرت از طرق دموکراتیک مانند رقابت انتخاباتی صورت می پذیرد و بر اساس رهیافت دوم مشارکت در رأی دهی که ساده ترین شکل مشارکت سیاسی است، به رأی دادن افراد به احزاب، افراد و سیاستها منتهی می گردد. در هر دو شکل از این رهیافت ها، دیدگاه بسیج می تواند نقش کاتالیزور را در سرعت دهی و اثربخشی بر میزان مشارکت بازی نماید. زیرا هر دو رهیافت برای توفق بر اهداف خود نیازمند حداکثر حضور و مشارکت مردمی در انتخابات هستند و بدون شک در فقدان عوامل میانجی یا میانی، موفقیت حاصل نخواهد شد.
بسیج فرایندی است که یک واحد اجتماعی یا سیاسی بتواند با استفاده از منابع موجود، احزاب یا افراد را برای رسیدن به اهداف خویش ترغیب نماید. اصولا برای پیروزی در انتخابات سه دسته از منابع؛ مردمی، اقتصادی و قهری عامل پیشرو و مبنای بسیج سیاسی محسوب می گردند. (Etzioni, 1968:388) با نگاهی هوشمندانه به نظریه بسیج چارلز تیلی[1] درباره شکل گیری تحول انقلابی، به خوبی می توان با جای گذاری مکانیزم بسیج منابع در فرایند انتخابات مجلس به عنوان تحولی که موثر بر تغییرات بنیادین در سطوح ملی و بین المللی است، به پایه ریزی علل موفقیت‌زا در کاندیداها یا گروه های مطالبه گر در انتخابات دست زد. این گروه ها، با کنترل موثر بر هر یک از ابعاد سه گانه فوق عامل مهمی در مشارکت حداکثری مردم در انتخابات هستند. مشارکت مردم در انتخابات مجلس اگر مبتنی بر انگیزه های اخلاقی باشد، بر دو پایه استوار است.اول اینکه مردم نمایندگان منتخب خود در مجلس وقت را سبب تامین مطالبات و خواسته های خود نیافته اند. دوم، برنامه ها، شعارها و وعده های کاندیداها یا احزاب یا فراکسیون های حاضر در مجلس را سبب ناکامی های مجلس وقت تلقی می کنند. از سوی دیگر، مشارکت مردمی مبتنی بر عامل سیاسی نیز تبیین خواهد شد. از این نظر، حضور مردم در انتخابات می تواند سازماندهی مجدد دغدغه های سیاسی و نهادی آنها مبتنی آرمان های مورد پذیرششان در حزب یا گروه کاندید شده مورد نظرشان باشد.
قبل از برگزاری انتخابات، نامزدهای مستقل یا منبعث از احزاب و گروه های سیاسی تلاش می کنند تا در میان اقشار مردم بویژه آنهایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی در دوره حاکمیت مجلس وقت دچار محرومیت شده اند، دست به بسیج بزنند تا ضمن رشد سیاسی، بدنه جناحی خود را با نارضایتی های حاصل از این گروه ها قوت ببخشند. در واقع مدعیان قدرت بواسطه انتخابات فراروی خود، تلاش می کنند تا از طریق مناظره، سخنرانی و رقابت با سایر گروه های قدرت طلب و یا گروه های قدرت مستقر در مجلس کنونی، یکدیگر را محک زده و برای تصاحب قدرت و نفوذ در هیات حاکم بر مجلس، فعالیت کنند. (Tilly,1978: 52)
مفروضه اصلی این پژوهش آن است که ناظر بر نظریه ای تحول محور، به دنبال الگویی باشد تا بتواند به تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده در عملکرد مدعیان قدرت در جذب آرای مشارکتی بپردازد. از اینرو، بر اساس الگوی بسیج تیلی، توانایی گروه های قدرت یا نمایندگان احزاب برای تصاحب در قدرت، وابسته به کنترل آنها بر منابع مردمی، منابع اقتصادی و منابع قهری است. (Tilly, 1978:69-79) در چرخه انتخابات حزب یا گروه یا فردی که بتواند بر یک یا هر سه این منابع اعمال نفوذ کند، و به جلب آراء انتخاباتی بر مبنای این منابع دست یابد در حال بسیج سیاسی به منظور پیروزی در انتخابات است. نفوذ بر منابع سه گانه بسیج سیاسی خود نیازمند ساخت سازی بسترهای درونی در گروه های طالب قدرت است. ساختارهای شکلی و محتوایی در این گروه ها یا احزاب می تواند تاثیر بسزایی در تسهیل دسترسی آنها به منابع بسیج داشته باشد. گروه های خواهان قدرت و کاندیداهای آنها در چرخه انتخابات می بایست مبتنی بر وسعت ایدئولوژی حزبی، قدرت و قدمت گروهی و چگونگی رهبری یا سازماندهی گروه و در نهایت اقبال یا انفال مردم نسبت به خود و ایده های حزبی و جناحی خود به اعمال نفوذ بر منابع بسیج سیاسی دست زنند.
از آنجا که گروه های مختلف در عرصه انتخابات به دنبال کسب مشارکت حداکثری مردم در انتخاباتند، پرسش اصلی ناظر بر این مساله است که تاکید بر بسیج سیاسی مبتنی بر منابع سه گانه تا چه اندازه بر مشارکت مردمی از یک سو و پیروزی کاندیداها و گروه های طالب قدرت از

[1] . Charles Tilly

سوی دیگر موثر است. همچنین چه ابعاد ساختاری می تواند به گستردگی بسیج سیاسی در گروه ها و متعاقب آن مشارکت حداکثری یاری رساند.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. مشارکت سیاسی:

مشارکت سیاسی یکی از منابع مهم قدرت و اقتدار در هر جامعه محسوب می شود. از اینرو، پرداختن به مساله مشارکت بویزه در بحث انتخابات می تواند مهم تلقی گردد. در دایرۀ المعارف بین المللی علوم اجتماعی « مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه ی اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست گذاری عمومی است»(مصفا، ۱۳۷۵: ۹) اما آنچه از مشارکت سیاسی به ذهن می رسد « فرایندی است که مجموعه افراد جامعه با شرکت در تصمیم گیری ها در اداره و سازماندهی جامعه سهیم می شوند ». به عبارت دیگر مشارکت سیاسی عبارت است از « شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی منجر می شود و سیاست عمومی را تبیین می کند یا بر آن تاثیر می گذارد» (آبرکرامبی،۱۳۷۶: ۲۸۶)

یکی از سطوح و عرصه های مهم مشارکت سیاسی، شرکت مردم در انتخابات است. اهمیت مشارکت انتخاباتی سبب گردیده که محور مشارکت غالباً بر مشارکت انتخاباتی بچرخد. دلیل این امر را می توان در اهمیت انتخابات در جوامع مختلف دانست. به گونه ای که نمی توان زندگی سیاسی افراد در دنیای کنونی را بدون انتخابات تصور کرد. عوامل گوناگون جامعه شناختی و روانشناختی می توانند در مشارکت سیاسی فرد تاثیر گذار باشند. همانطور که عوامل جامعه شناختی چون سن، جنس و پایگاه اجتماعی و اقتصادی متفاوت افراد نتایج مختلفی در وقوع یا عدم مشارکت انتخاباتی حاصل می کند، موضع گیری و نگرش فرد نسبت به نظام سیاسی نیز به عنوان عامل روانشناسانه می تواند تحلیلی مدقق درشکل گیری مشارکت صورت دهد. هر چقدر نگرش فرد نسبت به نظام سیاسی و حکومت مثبت باشد فرد تمایل بیشتری به مشارکت در نهادهای نظام سیاسی مانند انتخابات خواهد داشت و به تبع آن هرچقدر منفی باشد شرکت وی نیز در انتخابات کمتر خواهد بود. (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۹) عوامل موثر بر ساخت نگرش نسبت به نظام سیاسی، منبعث از شناخت مردم نسبت به پتانسیل و توانایی های فیزیکی، مادی و معنوی کشور است که تلاش می کنند انتظارات و توقعات خود را از نظام سیاسی با آن بسنجند. زمانی که نظام سیاسی و نهادهای منبسط از آن از جمله مجلس نتواند انتظارات و توقعات مردم را برآورده کند باور مردم به توانایی های نظام و نهادهای آن دچار اختلال شده و مشارکت کاهش پیدا می کند. میزان توانایی نهادهای مستقر جامعه سیاسی در مهارتورم، بیکاری، ارتشا، فساد و ایجاد فضای باز سیاسی برای فعالیتهای مدنی، نیز در کسب نگرش مثبت افراد مهم است.

عموما بحث مشارکت در انتخابات از موضوعات مورد علاقه پژوهشگران رفتارگرا بوده است اما نباید از حوزه جامعه شناسی و تعیین عوامل ساختاری در تحلیل مشارکت انتخاباتی نیز غافل شد. در سطح جامعه شناسیکه مبنای تحلیل ها ساختارهای اجتماعی و سیاسی است، غالبا مشارکت محصور در شبکه هایی از قدرت همانند دولت نگریسته می شود. لذا مشارکت افراد، بهره برداری آنها از فرصت هایی است که حکومت در اختیارشان می گذارد (آلموند و پاول، ۱۳۸۰) همچنین در سطح ساختاری، توجه به احزاب و میزان رقابت واقعی بین احزاب سیاسی و نیروهای دیگر مبنای تبیین مشارکت انتخاباتی قرار می گیرد.(Lawrence and all,1996: 218) در مقابل رویکرد روانشناختی، مشارکت افراد را تحت انگیزه هایی همانند مطلوبیت خواهی، اثرگذاری و انجام وظیفه شرعی و ملی قرار می دهد.(پالمر و اشترن، ۱۳۶۷: ۱۴۶) از اینرو، می توان استدلال کرد که در بحث از مشارکت سیاسی لازم است بر دو جنبه از آن اشاره شود. هم مشارکت برای کسب قدرت و هم مشارکت در رأی دهی. مشارکت برای کسب قدرت از سوی احزاب و گروه های مختلف سیاسی برای کسب قدرت از طرق دموکراتیک مانند رقابت انتخاباتی صورت می پذیرد و مشارکت در رأی دهی در رأی دادن شهروندان به احزاب، افراد و سیاستها خلاصه می شود.

۲-۲. بسیج سیاسی:

از آنجا که بسیج اصطلاحا آماده شدن برای انجام یک امر تلقی می شود نیازمند منابعی است تا بتواند در راستای اهداف مورد نظر خویش، قالبی از بسیج مبتنی بر سیاسی یا اجتماعی و یا هر شکل دیگر را به خود بگیرد. آنچه در کاربرد اصطلاح بسیج سیاسی مهم است، اهداف سیاسی است که در راستای آنها منابع موجود مهیا می گردند. از اینرو بسیج سیاسی توانایی تحصیل منابع و به تحرک واداشتن مردم در جهت اجرای اهداف مورد نظر تعریف می گردد. ضرورت بسیج منابع در همه اشکال کنش اعم از فردی و جمعی؛ چه مشارکت سیاسی و رأی دادن باشد و چه مشارکت در جنبشهای اجتماعی، از این ضرورت منشاء میگیرد که هیچ اقدامی بدون دسترسی به منابع مورد نیاز امکانپذیر نمی شود. از سوی دیگر منابع نیز همواره در دسترس نیستند. بسیاری از منابع در مکانهای مختلف و دور از هم وجود دارند که باید تجمیع شوند. برخی از منابع جنبه استعدادی داشته و در وضعیت بالقوه هستند و لازم است به فعلیت درآمده و قابل استفاده و کاربرد شوند. برخی از منابع سازمان نیافته است که لازم است سازمان یافته و قالب گیری شوند.

بسیج منابع در مطالعات اجتماعی، برای تحلیل انتخاب های فردی و سازمان های اجتماعی به کار بسته شد. این رهیافت در ابتدا بر پژوهش در موضوع حمایت اجتماعی در جنبشهای اجتماعی متمرکز بود و برای این هدف به دنبال آزمون متغیرهایی همچون انواع مختلف منابعی که می بایست بسیج شوند، ارتباطات جنبشهای اجتماعی با دیگر گروه ها، وابستگی جنبش ها به حمایتهای بیرونی برای موفقیت و تاکتیک هایی که مقامات برای کنترل یا ادغام و همراه سازی افراد و گروه ها در بدنه جنبش ها به کار می بستند» بود.(Mac Catrthy & Zald, 1997: 1213) اما تفسیر حمایت های اجتماعی در فرایندهای سیاسی اول بار توسط چارلز تیلی، جامعه را مبتنی بر ستیز بین نیروها فرض می کرد که در آن فهم پدیده ها منوط به فرایندهای سیاسی نسبت داده می شد. در این رهیافت جامعه عرصه مبارزه و رقابت گروه‌های مدعی قدرت است و نتیجه این رقابت را نحوه موازنه منابع و میزان موفقیت هر گروه در دستیابی بدان تعیین می کند.(Tilly, 1978 : 57) در این نظریه، در تحلیل رخداد سیاسی مهم این نیست که نارضایتی چگونه در میان گروهی از مردم پدید می‌آید. مهم آن است که مردم وقتی می‌توانند وارد منازعه سیاسی شوند که دست کم در درون آنها کوچکترین گروه‌های سازمان یافته‌ای پدید آید که توانایی دستیابی به بخشی از منابع جامعه را داشته باشند. پس اعتقاد بر آن است گروه‌هایی نسبتاً سازمان یافته و دارای عقیده و تشکیلات در میان مردم عامل مهمی در کنش سیاسی آنها است. عرصه سیاست در واقع منازعه گروه‌های مختلف بر سر قدرت سیاسی با استفاده از منابع موجود در دسترس هر گروه است. چارلز تیلی، این منازعه را در قالب مدل «هیئت حاکمه»[۲] ترسیم می‌کند. در درون هر اجتماعی نظام حکومتی وجود دارد که کنترل ابزار سرکوب و انحصار خشونت مشروع را در دست دارد. نظام سیاسی جامعه را اجزای زیر تشکیل می‌دهند(Taylor & Jodice, 1984: 130)

- جمعیت: گروهی از مردم با ساختار و عقاید مشترک.
- حکومت: گروهی که کنترل منابع مهم قدرت را در دست دارد.
- گروه‌های رقیب و مدعی قدرت که خود دو دسته اند:

الف) گروه‌های عضو هیئت حاکمه که سهم چندانی در کنترل منابع قدرت ندارند و به طور عادی و قانونی مدعی پاسخگویی حکومت به خواسته‌های خود هستند.

ب) گروه‌های غیر عضو هیئت حاکمه این گروه‌ها در تلاش برای ورود به نظام سیاسی جامعه و پاسخگویی حکومت به خواسته‌هایشان هستند. تلاش آنها با مخالفت کارگزاران هیئت حاکمه مواجه می‌شود.

- ائتلاف: توافق میان گروه‌های مختلف برای تقسیم منافع آتی است. بنابراین, در رقابت میان گروه‌های آنچه تعیین‌کننده توفیق هر یک از این دو طیف است, می‌توان آن را توضیح داد:

الف) درجه کنترل جمعی بر منابع هنجاری و میزان پایبندی اعضای گروه به یکدیگر و به گروه و آرمانهای گروه.

ب) درجه کنترل جمعی و تهدید و اجبار و امکان مجازات دیگران و محدود کردن انتخابهای آنان.

[2] .Polity Model

ج) درجه کنترل جمعی بر منابع مفید.

هرگاه یک گروه بکوشد کنترل خود را بر منابع گفته شده افزایش دهد، در حال کسب قدرت و حالت بسیج (Taylor& Jodice, 1984: 132) است که همانا توانایی بالقوه برای اقدام جمعی است. اگر کنترل گروهی بر این منابع کاهش یابد در حالت ضد بسیج و ناتوانی برای اقدام جمعی است

پس بسیج از لحاظ سیاسی روندی است که از طریق آن احزاب یا موسسات سیاسی مردم را به صحنه سیاست وارد می کنند. و به معنی فعال شدن از نظر سیاسی و کاربرد منابع قدرت برای اهدافی است که هر گروه یا حزبی مردم را برای آن ترغیب می کند. سازمان، رهبری و ایدئولوژی ابعاد اصلی روند بسیج عمومی هستند. بسیج سیاسی مردم کار دشواری است و در هر شرایطی نیز نمی توان مردم را به نارضایتی از وضع موجود بسیج کرد. بنابراین بسیج سیاسی دارای شرایطی است : یکی از شرایط بسیج سیاسی شرایط اجتماعی بسیج است و آن زمانی است که جامعه تا حدودی توده ای باشد، نهادهای مدنی وجود نداشته باشند و افراد به گروههای مستقل، جمعیت ها و انجمن های آزاد وابستگی نداشته باشند. دومین شرط بسیج سیاسی شرایط اقتصادی بسیج سیاسی است. شرایط اقتصادی بسیج سیاسی زمانی است که زمینه تغییر سریع در وفاداری جمعیت نسبت به حکومت در اثر فقر و ناروایی های اقتصادی به وجود آید. شکافهای طبقاتی، تبعیض اقتصادی، محرومیتهای نسبی، فقر، تورم و بحرانهای اقتصادی زمانی که با شرایط اجتماعی و دیگر شرایط بسیج سیاسی همراه باشند جامعه را در معرض بسیج سیاسی قرار خواهند داد. سومین شرط بسیج سیاسی شرایط سیاسی بسیج است.شرایط سیاسی بسیج سیاسی به توانایی ها و ظرفیتهای نظام سیاسی حاکم در جلوگیری از بسیج سیاسی مردم اشاره دارد. زمانی که نظام سیاسی از درون دچار ضعف باشد و برای مهار نیروهای متعارض ابزاری جز زور و سرکوب فیزیکی در اختیار نداشته باشد شرایط برای بسیج سیاسی مهیا می گردد. همچنین زمانی که نظام سیاسی از تبدیل تقاضاها به سیاست ناتوان است و ورودی های سیستم سیاسی (خواستها و تقاضاها) به داخل جامعه بازگردانده می شوند شرایط برای بسیج سیاسی امکان پذیر می شود.

۳. چارچوب نظری

آنچه در ارائه یک چاچوب نظری مهم است متدلوژی است که بتواند به فهم بهتر مسائل در عرصه های مختلف علم اجتماع بویژه سیاسی کمک رساند. هدف نگارندگان این مقاله در انتخاب نظریه بسیج سیاسی چارلز تیلی در انقلابات، قابلیت انعطاف و گستردگی دامنه این نظریه بوده است. بسیج سیاسی چارلز تیلی به جز برررسی زمینه های تحول در انقلابات، به شکلی کاربردی می تواند هر گونه رخداد در جامعه که منجر به تحول از یک شکل به شکلی دیگر گردد را مورد اقبال خود قرار دهد. شاید بتوان استدلال کرد که در واقع هدف اصلی چارلز تیلی از بیان نظریه بسیج سیاسی، ارائه ارکان اساسی در یک تحول سیاسی باشد. از اینرو، انتخابات بویژه انتخابات مجلس که تجلی تمام عیار شکل انقلابی نظام است و نمایندگان آن با جهت گیری های خود در امور ملی و بین المللی، نماینده موضع گیری های یک ملت محسوب می گردند؛ یک تحول انقلابی محسوب می شود که جایگاهی کمتر از یک انقلاب نخواهد داشت. شاید بتوان از انتخابات مجلس آنچنان سخن گفت که پدیده ای انقلابی در مقیاسی کوچک تر است.

یکی از مهمترین مستوفاتی که در مساله بسیج سیاسی تیلی مطرح است، معضل روشمند بودن پدیده هاست.(Tilly, 1978: 12-37) زیرا بسیاری از تحولات مبتنی بر غایت و ناظر بر نتیجه اند. یعنی در بسیاری از مواقع با وقوع یک رخداد، توجه به گذشته آن امکان تبیین و تحلیل را فراهم می آورد و این بواقع همان نوشدارو پس از مرگ سهراب معنی خواهد داد. زیرا پیشگیری های لازم برای صورتبندی مجدد غیرمطلوب ها در دوره قبل صورت نگرفته است. معضل دوم، پیوست به نگاه های ساختاری یا فردی در وقوع یک پدیده سیاسی است. بر این اساس علل نارضایتی از عملکرد در یک پدیده یا ساختارهای حاکم بر آن تلقی می گردد یا ناکارآمدی افراد مستقر در آن حوزه. از نظر تیلی زمانی می توان به تحلیل کارآمد از یک مساله سیاسی دست یافت که به تلفیق دوگانه علل فوق رسید. از این نظر، تیلی ساختارهای حاکم را منوط به اراده آزاد افراد فرض می نهد. او بسیج منابع را اقدامی می داند که در بطن خود مفهوم اراده را نهان ساخته است. شکل گیری یک پدیده سیاسی

امری ارادی، آگاهانه و مبتنی بر بسیج است (Tilly, 1978: 55-59) بسیج نیز مبتنی بر چهار عنصر جمعیت، ایدئولوژی، رهبری و سازمان مستقر است.

۱-۳.جمعیت یا مردم: مهمترین عاملی که در شکل گیری یک پدیده سیاسی باید بسیج شود، مردم اند. گروه های طالب قدرت یا همان بسیج گران باید بتوانند توده مردم را به سوی اهداف و انگیزه های سازمانی و نهادی خود وفادار کنند. از این نظر مهمترین شرط شکل گیری پدیده سیاسی نه ساختار و نه کارگزار است بلکه همسویی منافع احزاب با مردم، استراتژی های عامه پسند، قدرت یک گروه یا حزب و بسیج مردم در راستای آن است. از این منظر، آنچه می تواند شرایط شکل گیری پدیده سیاسی محسوب گردد، وجود گروه های طالب قدرت، وفاداری و حمایت مردم به این گروه ها و در نهایت توان حکومت در سرکوب یا سازش با این گروه هاست. بنابراین شرط لازم در یک تحول سیاسی این است که اقتدار سیاسی یک حزب یا جناح یا گروه توسط مردم به رسمیت شناخته شده باشد. (Tilly, 1978:200)

۲-۳. ایدئولوژی: پیدایش و رشد ایدئولوژی ها در قرن بیستم یکی از عمده مباحث جامعه شناسی سیاسی محسوب می گردد. (بشلر، ۱۳۷۰: فصل اول) ساختار های اجتماعی در ابعاد مختلف می تواند ایدئولوژی خاص خود را داشته باشد. ایدئولوژی ها سازنده جهانبینی در افراد پیروی خود هستند. مبتنی بر ایده های مطلق گرای هر ساختار، نسبت به مسائل اجتماعی، سیاسی، دینی و ... مواضع آن ساختارها در تبیین یا حل مسائل حوزه های مختلف سنجیده می شود. در شکل گیری و نفوذ ایدئولوژی دو رویکرد وجود دارد. اول اینکه ایدئولوژی سازنده جامعه است. همانطور که مارکس ایدئولوزی حاکم در هر دوره تاریخی را همان وسایل تولید ذهنی تلقی می کند که در دستان طبقه حاکم است.از اینرو، ایدئولوژی عامل مهمی در سلطه یا نفوذ محسوب می گردد. (Marx, 1967) دوم اینکه ایدئولوژی برساخته از جامعه است . همانطور که آلتوسر ایدئولوژی را خطابه ای می داند که بر مبنای مخاطب قرار دادن افراد شکل می گیرد.(بشیریه، ۱۳۶۸: ۵۹۹-۶۰۰) در مجموع ایدئولوژی با چالش از وضع مستقر در یک پدیده، به ترسیم وضع مطلوب دروضعیت جایگزین آن بین افراد می پردازد. پس می توان مهم ترین کارویژه ایدئولوژی را تفسیر جدید مبتنی بر اهداف مورد نظر در یک گروه یا سازمان است.

۳-۳. رهبری: یکی از عمده ترین عناصر بسیج سیاسی، رهبری محسوب می شود.به کمک عنصر رهبری است که در وقوع یک تحول، نارضایتی از یک وضعیت توسط افراد یا گروه های ناراضی متوجه هیات حاکمه خواهد شد. نقش رهبری فعلیت های اجتماعی در احزاب یا جناح های خواهان قدرت، در واقع سرو سامان دادن به اوضاع اجتماعی و سیاسی نامطلوب در جامعه است. از اینرو در عرصه سیاسی، با توجه به اینکه علم سیاست یک علم پیشگیرانه است، رهبران در گروه های خواهان قدرت می بایست در این مسیر آموزش داده شوند. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۸۹) بی شک، مهم ترین کارویزه رهبری ارائه و اشائه ایدئولوژی در میان طرفداران است به طوری که مسائل غامض و پیچیده داخلی و بین المللی مبتنی بر اهداف گروه یا سازمان، برای عامه مردم قابل فهم باشد.

۴-۳. سازماندهی: در فرایند بسیج سیاسی، وجه سازمان یافتگی توسط گروه خواهان قدرت بسیار مهم است. از نظر تیلی در فرایند بسیج، سازماندهی گروهی مبتنی بر دو بعد شخصی و جمعی است. برای شناخت از سازمان یافتگی یک سازمان یا گروه مطالبه گر، باید دید که آن گروه چگونه دست به سامان دهی افراد می زند. زمانی که اولویت در سازماندهی گروه های جمعی باشد متعاقب آن هویت جمعی شکل می یابد و زمانی که اولویت در سازماندهی رابطه های شخصی باشد، سازماندهی مبتنی بر شبکه های درونی رخ می دهد. بنابراین سازماندهی در یگ گروه بر مبنای هویت جمعی ملموس تر از شبکه های درونی است.از اینرو، سازماندهی به منظور بسیج منافع،از ترکیب هویت جمعی و شبکه های درونی رسمی و حرفه ای قابل اجرا است. (Obershall,1973: 82) همچنین سازماندهی افراد در الگوی تیلی، بر دو اصل مستقر است: اول اینکه بسیج گران در واکنش به حمله حکومت یا جناح های مقابل خود دست به سازماندهی می زنند. دوم اینکه بسیجگران مبتنی بر فرصت های موجود برای تحقق به خواسته های خود دست به بسیج مردمی می زنند. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۸۰) به عبارت بهتر، بسیج و ضد بسیج در جامعه در این مرحله ظهور می یابد. جرالد گرین مشارکت سیاسی را به دو بخش بسیج و ضد بسیج تقسیم نموده است. او معتقد است مدرنیزاسیون

به شکلی ضمنی جمعیت را سیاسی کرده است و امتناع از مشارکت دادن چنین بخش های سیاسی شده ای می تواند منجر به آشوب شود. از اینرو، تقاضا برای مشارکت سیاسی منجر به بسیج سیاسی می شود. اگر حکومت از طریق احزاب، رای گیری و مکانیسم های نهاده سیاسی نتواند در بسیج برای مشارکت موفق شود، ضد بسیج ظهور کرده است.(Green, 1984: 9)

۴. تبیین مشارکت سازی مبتنی بر ارکان بسیج سیاسی در حوزه انتخابات مجلس

۴-۱. مشارکت مردمی : آنچه شدت و عمق نیاز نظام مردم سالاری دینی را به مشارکت مردمی در انتخابات مجلس نشان می دهد، تجلی مردم سالاری در قالب نمایندگی مجلس است. رای دادن موثرترین و عملی ترین وسیله برای افراد است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی ابراز دارند.(Dowse, 1986: 293) اساسی ترین عملکرد انتخابات، فرصت دادن برای جانشینی، انتقال مناصب و مسئولیت ها در جامعه است. از آنجا که مشارکت مردم در انتخابات قاموسی از مشروعیت نظام مردم سالاری دینی در ایران محسوب می گردد، بر حضور حداکثری مردم در انتخابات تاکید فراوان شده است. مشارکت حداکثری، پشتوانه تصمیمات مسئولان و منتخبان در اداره امور کشور است. خواست و اراده مردم، نقش مذهب و تاکید بر تحول انتخاباتی بر این دو، مهمترین عامل مشارکت حداکثری مردم در نظام انتخاباتی کشور است.

یکی از مهمترین دغدغه ها در ایران، مشارکت حداکثری در حوزه انتخابات مجلس شورای اسلامی است. پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی در سال ۵۷، تقریبا با گذر از ده دوره از انتخابات مجلس شورای اسلامی، گر چه رتبه کل مشارکت بالای ۵۰ درصدی را از آن خود کرده است اما در گذر زمان دچار فراز و نشیب نیز شده است. همانطور که کاهش مشارکت در دوره هفتم انتخابات مجلس در اسفند ماه ۱۳۸۱ نشان داد مشارکت یک مساله چند وجهی است و ارتقای سطح و میزان آن نیازمند بررسی همه جانبه ابعاد موثر بر آن را دارد.

گروه های صاحب قدرت در مجلس و یا گروه های مطالبه گر قدرت که در چرخه انتخابات در مقام کاندیداهای دور بعد انتخابات مجلس ظهور می کنند، به منظور در قدرت ماندن و یا سهیم شدن در قدرت نیازمند مشارکت مردم در انتخابات هستند. یکی از اقدامات اساسی که این گروه ها در بسیج مشارکت کنندگان به نفع خود باید مورد توجه قرار دهند، شناخت از رفتار رای دهندگی آنان است. جمهوری اسلامی ایران در عرصه انتخابات بر مردمسالاری دینی بیش از پیش تاکید دارد. این منطق نشان دهنده نقش مذهب در رفتار رای دهندگان است.در این وادی ، مردم تحت دستورات و راهنمایی های دینی و مذهبی و روحانیت مورد اعتماد، به تولید شبکه ای ارتباطی عقیدتی دست می زنند که می تواند عامل مهمی در بسیج سیاسی آنها باشد. از اینرو توجه گروه های خواهان قدرت به مساله مذهب می تواند عامل مهمی در شکل دهی به رای سودمند برای آنان باشد. (احمدوند، ۱۳۸۸ : ۱۹) به عنوان نمونه در مطالعه ای که توسط مرکز افکار سنجی دانشجویان (ایسپا) در انتخابات هفتم مجلس در سال ۱۳۸۲، وظیفه شرعی، پایبندی به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی علل و انگیزه های مشارکت در انتخابات محسوب می شود. همچنین در نظرسنجی مرکز پژوهش های مجلس در انتخابات مجلس هشتم در سال ۱۳۸۶، دلیل مذهبی و دینی برای شرکت در انتخابات ۲۷/۱۵ درصد اعلام شده است. (Amir Arjomandi,1986)

اقدام دیگر در جذب رای مردمی، نگاه ماهیتی و ساختاری به مجلس مستقر است. گروه های خواهان قدرت در انتخابات مجلس می توانند با شناسایی و به زیر سوال بردن ساختارهایی که در مجلس وقت منجر به نارضایتی در مردم شده است، با تاکید بر ضرورت تغییر در این ساختارها با واکنش سازی در میان مردم و همسو سازی آنها با خود به بسیج سیاسی آنها در نیل به مشارکت حداکثری اقدام نمایند. البته بررسی علل نارضایتی در میان مردم شناخت از منافع و مطالبات آنها نیز هست که به گونه ای دیگر، منافع و اهداف خود را با منافع مردم همسو سازی می کنند. در این راستا تاکید بر نقش نظارتی مجلسبر قوانین می تواند نمونه خوبی باشد. حاج بابایی رئیس فراکسوین مجلس دهم در انتقاد از عملکرد اقتصادی مجلس علت آن را تعامل بیش از حد مجلس با دولت می داند که به وعی مجلس در لوای دولت قرار گرفته است. او معتقد است در این صورت مجلس نمی تواند عملکرد نظارتی خود را بر دولت بویژه در مسائل اقتصادی و معیشتی به شکلی قدرتمند دنبال کند. (شبکه خبر، ۱۳۹۷) از اینرو، نارضایتی مردم از مجلس باعث کاهش ارزش های رسمی در مقابل ارزش های مورد قبول خود است.

۲-۴. ایدئولوژی حزبی: گروه های خواهان قدرت منبعث از احزاب و جناح هایی هستند که در تکاپو برای سهیم شدن در قدرت به منظور رسیدن به اهداف و منافع خویش اند. اگر به شکلی سیستمی به احزاب نگاه شود، و از سویی احزاب نمایندگان خود را برای انتخابات مجلس راهی نمایند، در واقع آن فرد شمایی از حزب است که با ایفای نقش جعبه سیاه است که درون داد و برون داد و بازخوردهای حاصله از ورودش به سیستم، همه در جهت منافع گروهی و حزبی صورت خواهد گرفت. با توجه به کارویژه بسیج سیاسی مردمی توسط حزب، (کلایو اسمیت، ۱۳۸۰: ۳۰۶-۳۰۵) تهییج و مشارکت مردمی حاصل از آن نیازمند ایدئولوژی است که بتواند مردم را جذب خود کند. در واقع مطالبه گری کاندیداهای مجلس که مستقل از احزاب یا جناح ها نیستند، خواسته های گروهی و حزبی آنان است. جذب آراء مردمی در انتخاب یک نماینده در مجلس نیز در واقع رای به خواسته های حزبی اوست. با این تفاسیر، استفاده از ایدئولوژی که بتواند وضعیت مطلوب و آرمانی به مردم ارائه دهد و از نظر ساختاری منعطف تر و همسو تر با خواسته های مردمی باشد، در بسیج سیاسی مردم به سمت مشارکت حداکثری کارآمد است.

پشتوانه دینی و اعتقادی جمهوری اسلامی ایران و همسویی مردم با آن نشان می دهد که گروه های خواهان قدرت در انتخابات مجلس ضمن نگرش به نقش بالنده سیستم های اعتقادی و ادراکات فرهنگی در شکل دهی به کنش های سیاسی باید تلاش کنند تا ایدئولوژی خود را در جهت صیانت از مردمسالاری دینی تدوین کنند. در این راستا، می توانند به مشارکت حداکثری در انتخابات کمک رسانند. همچنین لازم است تا با شناخت از پندارهای رای دهندگان، رفتار رای دهندگی آنها را به سوی خود منحرف سازند. پندارها و برداشت ها چون معلول ساختارها ی محیطی هستند، بدیهی است تا در دوران متفاوت در چرخه انتخابات انواع مختلفی را از خود بروز دهند. نهادینه نبودن تحزب و ایدئولوژی مستقر آن که بتواند به بسیج سیاسی مردم دست زند، پارادایم های گوناگونی را برویشان می گشاید که مبتی بر آن رای خواهند داد. از اینرو، ایدئولوژی می تواند نقش مهمی در تجهیزکردن مردم به سوی فکری خاص در رای دهی را بازی کند. (گلابچی، ۱۳۸۴: ۱۴۸-۱۶۳) از اینرو، وابستگی های جناحی می تواند عاملی در شکل یابی رای وفادارانه باشد. (محمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۶)

پژوهشی که در تیرماه ۱۳۸۴ توسط مرکز ایسپا انجام شد، نشانگر نقش ایدئولوژی مسلط درمشارکت حداکثری است. گفتمان عدالت اجتماعی به عنوان ایدئولوژی حزبی آقای محمود احمدی نژاد در بین گروه های زیادی از مردم مورد اقبال قرار گرفت و اصلی ترین دلیل رای دادن به ایشان در انتخابات ریاست جمهوری محسوب می شد. (خبرگزاری ایسپا،۱۳۸۴: گزارش ۲۵۴)

۳-۴.رهبری مبتنی بر اهداف مشارکتی: یکی از اجزای حزب یا سازمان سیاسی رهبری است. رهبری در شکل عامه خود فردی تلقی می شود که پیشروی امور در یک بخش باشد. در سنخ سنجی مقاله حاضر می توان رهبر را هم رهبر یک گروه در نظر گرفت و هم رفتار پیش برنده یا راهبرانه یک حزب یا گروه در هدایت خواسته ها و مطالبات مردمی در نظر داشت که نقش اساسی در مشارکت حداکثری مردم در انتخابات دارد. یکی از کارکردهای حزب و رهبری احزاب تحرک در بدنه تبعی جامعه است. اصولا در مقابل اقلیت فعال سیاسی در جامعه، اکثریتی وجود دارد که علاوه بر کم تحرکی سیاسی، همواره در وضعیت مشارکت تبعی بسر می برند و در بیشتر موارد دست آموز دولت مردان مرکزنشین قرار می‌گیرد. دشواریهای این گروه از جامعه در ادغام با بخش پیشرفته شهری شالوده نظام سیاسی جامعه را سست کرده و به بی ثباتی سیاسی نیز دامن می زند (ساعی، ۱۳۸۸ : ۹۲) از همین رو این احزاب هستند که می توانند مشارکت سیاسی را سامان دهند؛ در حقیقت، استواری و توانایی یک حزب و یک نظام حزبی، با سطح مشارکت آن ارتباطی مستقیم دارد. اگر رهبران حزبی اطمینان داشته باشند که می توانند گسترش مشارکت سیاسی را در چهارچوب حزبیشان سازمان دهند، به سود آنها است که دامنه این مشارکت را گسترش دهند. پر واضح است که حزب برخوردار از پشتیبانی توده ها از حزبی که از این پشتیبانی محروم است نیرومندتر است؛ علاوه بر این، نظام حزبی برخوردار از مشارکت مردمی، قدرتمندتر از نظام حزبی که گسترش دامنه مشارکت سیاسی اش به جدایی تدریجی حزب از پشتیبانانش می انجامد و سازمانی را که زمانی بر مبنای گستردهای استوار بود به اجتماع تعدادی سیاستمدار بدون پشتیبانی مردمی حزبی مبدل می سازد.در این مسیر، رهبر حزب یا گروه راهبر و هدایت کننده در جامعه، با طرح پرسش های اساسی و جدی، مهارت و قدرت خاصی را در بسیج سیاسی ایفا می کند.(Bakhash, 1983: chapter 2) بنابراین، یکی از مهمترین منابع فکری و راهبردی یک گروه پیشرو رهبر حزب، ایدئولوژی است که مبتنی بر تفسیرهایی متناسب با بسترهای اصلی جامعه باشد.

۴-۴. سازماندهی منطبق بر منافع: یکی از مهمترین سازمان ها در فرایند بسیج سیاسی، احزاب هستند. احزاب به عنوان پشتوانه کاندیداهای انتخابات می توانند نقش مهمی در مشارکت حداکثری شهروندان بازی کنند. در جه بالایی از نهادینگی، ثبات و سازماندهی در سطح جامعه، توسط احزاب شکل می پذیرد. هانتینگتون با الهام از دوتوکویل معتقد است کل نظام سیاسی هنگامی کارآمد است که از درجه ای از نهادینگی برخوردار باشد، از آنجایی که نیروهای جدید اجتماعی که طی فرایند وسازی بوجود آمده اند و خواهان مشارکت سیاسی هستند، احزاب می توانند به شکلی سازنده و مشروع به ساماندهی این مشارکت سیاسی عمل نمایند. (بدیع، ۱۳۷۹: ۹۴-۱۰۰)

سازماندهی یکی از فرصت هایی است که احزاب می توانند در خدمت کاندیداهای مورد نظر خود گذاشته و از این طریق آرای مردمی را برای آنها بخرند. گر چه بیماری فصلی بودن احزاب در ایران متداول است و احزاب تنها در چرخه انتخابات هست که فعال مایشاء می شوند اما در همین فرصت کوتاه احزاب می توانند با گرم کردن فضای انتخاباتی از طریق تبلیغات، مناظره، گفتگو و به بحث کشیدن مسائل مهم و مشکلات جدی و ارائه راهکار، به سازماندهی افراد در نیل به مشارکت سیاسی دست زنند. اگر این سازماندهی به شکل نهادی مستقل از دولت حفظ شود و مناسباتش بر منابع محسوس مستقل از ساختار بوروکراسی بنا گردد، مناسب ترین چارچوب برای واکنش علیه گروه های رقیب در انتخابات محسوب می گردد. (سید امامی و عبدالله،۱۳۸۹: ۱۱۷) اصولا احزاب با پافشاری بر مبانی جناحی خود و همچنین با برجسته نمودن نقطه ضعف های جناح رقیب یا جناح مستقر در بین مردم، به کانالیزه کردن کنش های سیاسی در بین مردم دست می زنند. و از این طریق به سازماندهی آنها در جهت منافع حزبی و گروهی خود دست می یابند. در چارچوب انتخابات مجلس شورای اسلامی، عملکرد منفی گروه های مستقر در هیات حاکمه مجلس یکی از راه هایی است که گروه های رقیب می توانند با برجسته سازی آنها به سازماندهی نارضایتی عمومی نقش داشته باشند.گروه های حزبی رقیب در ساماندهی هویت جمعی، به تهییج گروه های کلان و جمعی در جمعیت خواهد پرداخت و از این طریق افزایش ناراضایتی و تقاضا را در این گروه ها سازماندهی می کند. به عنوان نمونه، در بررسی مطالبات زنان در دوره دهم مجلس شورای اسلامی،دسترسی نداشتن به منابع مالی، شبکه های ارتباطی، پست های سیاسی و اجرائی و حمایت نکردن رهبران احزاب از فعالیت های آنها و مهم تر از اینها، نداشتن برنامه مناسب و عملیاتی منابع تصمیم گیری مانند فراکسیون زنان در مجلس موجب شده است که زنان کمتر به موقعیت های مهم دست یابند(روزنامه شرق، ۱۳۹۸مهر ماه) قصور یا ناکارآمدی فراکسیون زنان در مجلس می تواند ناراضیان را به صحنه مشارکت بکشاند به شرط اینکه به خوبی سازماندهی شده باشد. همچنین احزاب می توانند با تحریک مجموعه ای از اشکال فرهنگی و قومیتی و محرومیت های ناشی از بی مسئولیتی نمایندگان وقت خود، صف مشارکت کنندگان را در جهت توزیع منافع و اهداف خود مهیا سازند. در چرخه انتخابات مجلس، کاندیداهای حزبی، در مناطق محروم یا در شهرهایی که قومیت نقش مهمی در ساخت سازی قدرت اجتماعی دارد، در واقع دارای کانال های دسترسی وسیعی به اکثریت قشرهای آن منطقه هستند. این کانال ها که مجموعه ای از شبکه های درونی هستند شامل روابط خویشاوندی، قومیتی و کدخدامنشی می باشند. در چرخه انتخابات، شبکه ارتباطی بین کاندیداها و مردم مبتنی بر عامل قوم مداری به تقویت حزبی و جناحی در مواجهه با حزب مستقر در مجلس شکل می گیرد. این شبکه های ارتباطی نقش مهمی در دسترسی به اهداف سیاسی دارند. احزاب از طریق ارتباطات و سازمان نهادی به گونه ای سازمان دهی شده عمل می کند که حتی کانال های مدرن قدرت نیز یارای مقابله با آن را ندارد

در بررسی عوامل موثر بر رفتار انتخاباتی در انتخابات مجلس اول تا پنجم در استان کرمانشاه، در میان هشت متغیری که به سنجش عوامل موثر بر مشارکت رای دهی مردم پرداخته است؛ مهمترین متغیر بر ترجیحات رای دهی عموم رای دهندگان وابستگی ایلی، طایفه ای و گروه گرایی محلی بوده است.(شهیدی نیا، ۱۳۷۹) همچنین در بررسی دیگر که بین رابطه فرهنگ عشیره ای و انتخابات در منطقه دهلران انجام شد، رای دادن در این منطقه بیش از هر چیز تابع رفتار عشیره ای و فرهنگ حاکم بر آن است.(بصیری و شادی وند،۱۳۸۰)

۵. پیشنهاداتی برای مشارکت حداکثری مبتنی بر بسیج سیاسی

پس از برآورد مشارکت سیاسی مبتنی بر نظریه بسیج سیاسی، به منظور ارتقای کمیت و کیفیت مشارکت آحاد ملت در کنش های سیاسی مانند انتخابات، یکی از اهداف مهم این پژوهش ارائه پیشنهاداتی مبتنی بر چارچوب نظری فوق است. از نظر نگارندگان این متن، انتخابات در

نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط ویژه ای که در منطقه و نظام بین الملل دارد، آوردگاهی است تا اقتدار و استقلال نظام اسلامی در پرتو مردمسالاری میتنی بر الزامات دینی را به چشم جهانیان فرو نشاند. اهمیت صحت و سلامت انتخابات مجلس چه در حوزه های اجرایی و چه مباحث مربوط به مشارکت مردمی آنجا مشخص می گردد که در چارچوب نظام اسلامی، تصمیم سازی در اقدامات داخلی و بین الملل نمایندگان منتخب، همان اراده ملت خواهد بود. بنابراین مجلس شورای اسلامی تجلی گاه نهادی و عینی از مردمسالاری دینی در ایران محسوب خواهد شد. چنین مسئولیتی نیازمند تبیین و تحلیل از عوامل و موانع و در نهایت ارائه پیشنهاداتی در تسهیل و تهییج مردم در رای دهی در انتخابات است.

- کاندیداهای مجلس بهتر است به منظور افزایش جذب آرای مردمی، از قابلیت های جمعیتی در مناطق مستقر خود استفاده کنند. در این زمینه، به وضعیت سنجی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و امکانات عمومی آموزشی، بهداشتی و رفاهی مردم پرداخته و با کشف میزان رضایت یا نارضایتی مردم در دوره مجلس مستقر، اهداف و سیاست های خود را در جهت رفع این نواقص بسیج نمایند.
- نامزدهای خواهان قدرت در مجلس همچنین با استفاده از قابلیت های جمعیتی در بسیج آراء مردمی می توانند با کشف احساس ناکامی سیاسی در مردم نسبت به عملکرد نمایندگان در دوره مستقر نسبت به تضییع حقوق مناطق کم برخوردار تر از مسائل سیاسی وقت، اهدافی را در راستای توسعه سیاسی حوزه انتخابیه خود ترسیم نمایند.
- نامزدهای مردمی به منظور موفقیت هر چه بیشتر در انتخابات، می توانند از طرق برنامه های مدون حزبی یا اصول فکری و جناحی خویش به پندارسازی در میان مردم دست زده و از این طریق آرای آنها را نصیب خود کنند. در واقع ساختارهای محیطی در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می تواند به ساخت دگرگونی در انگیزه های رای دهی مشارکت کنندگان دست زند. همانطور که عدم نهادینگی تحزب و نامطلوب بودن تجهیز سیاسی می تواند به دگرگونی رای دهی بیانجامد، هوشمندی کاندیداها یا احزای منتصب به آنها در تدوین تحزب و تجهیز مطلوب می تواند به ساخت چندارهای مثبت در مفید و موثر بودن آرای مردمی یاری رساند.
- به منظور مشارکت حداکثری مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی، بهتر است کاندیداهای مجلس برآمده از احزاب یا گروه های منسجمی باشند که بر مبنای برنامه ریزی مشخص و هدف دار، به طرح ریزی از دغدغه های مردمی بپردازند.
- همچنین مشارکت حداکثری در انتخابات، نیازمند شبکه های قدرتی است که در چرخه انتخابات با نفوذ و لابی گری در میان مردم، اهدافی همسو با مطالبات و خواسته های آنان را دنبال کند.
- احزابی که نمایندگان خود را کاندیدای مجلس معرفی می کنند، بهتر است اساسنامه یا مرامنامه خود را که مبتنی بر اهداف فکری و جناحی است از حالت متصلب به منعطف تبدیل کنند تا با عنایت به ناکامی های احزاب رقیب و در قدرت، وجه ای مثبت از خود در میان مردم نشان دهند.
- گروه پیشرو یا حزب رهبر اپوزیسیون در تقابل با مجلس وقت باید بتواند با ایدئولوژی کلان خود نسبت به مسائل سیاسی در کشور، جهت گیری های متعارض خود را نقدی جامع و پیشرو تبیین کند نه اصلی تخریب گر. در این خصوص، رهبر حزب می تواند طلاقی گاه های فکری و جناحی خود را با عملکرد منفی حزب وقت، تقویت و امید به مجلسی کارآمد در عرصه های مختلف را به مردم وعده دهد.
- کاندیداهای حزبی و جناحی خواهان قدرت در مجلس، بهتر است دغدغه های سیاسی و کلان مملکتی را در غالب شکل دادن به هویت های جمعی همانند هویت جنسی یا هویت سنی و هویت قومی ابراز دارند.
- همچنین می توانند معضلات مربوط به حوزه های غیر سیاسی و اجتماعی تر را مانند کنش های سیاسی مردمی در قالب روابط درون شبکه ای و فردی تقویت نمایند و به بسیج منابع در دسترس خود بپردازند.

- کاندیداهای مجلس بویژه در مناطق دارای کشش های قومی ویژه می توانند با عنایت به سازمان یافتگی در بسیج همگانی، به ساماندهی قومی و عشیره ای در جذب آراء مشارکتی دست یابند.
- مذهب نیز به عنوان یکی از منابع بسیج سیاسی، با تبلور در روابط درون شبکه ای فردی می تواند به سازماندهی مشارکت مردمی یاری رساند. بدین منظور، عقاید مذهبی جناح یا حزب مورد نظر، تحلیل های مذهبی مدار و وجود رهبری با ایدئولوژی مبتنی بر شاخصه های اسلامی قابلیت خوبی برای رسوخ در میان مردم را دارد.

۶. نتیجه گیری

مشارکت سیاسی در جامعه یک نیاز ضروری تلقی می گردد به طوری که هم گروه های خواهان قدرت و هم افرادی که به آنها رای می دهند، نیازمند این مشارکت هستند. علت نیاز مطالبه گران در عرصه قدرت، پیروزی آنها در رسیدن به اهداف جناحی و حزبی و علت نیاز مشارکت کنندگان در عرصه سیاست، سهیم شدن در قدرت به منظور برآورد نیازهایشان در حوزه های مختلف است. هدف از مقاله حاضر، بررسی نقش عوامل موثر بر مشارکت هر چه بیشتر آحاد ملت در انتخابات مجلس شورای اسلامی بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، مشارکت سیاسی در قالب انتخابات و حضور گسترده مردم در آن از نقاط عطف این نظام در عرصه ملی و بین الملل محسوب می گردد. از اینرو در برابر تمامی تهدیدات دشمنان به کاهش مشارکت، هدف اصلی نظام تشویق به مشارکت است.پس از پیروزی انقلاب در مجموع دو همه پرسی، دوازده دوره انتخابات ریاست جمهوری، ده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و همچنین دوره های انتخاباتی خبرگان رهبری و شوراهای شهر و روستا نشان از مشارکت حداکثری یا حداقل بالای ۵۰ درصدی رای دهندگان دارد. هر چند فراز و فرودهایی در میزان مشارکت انتخاباتی در دوره های مذکور بوده است. در بررسی علل و عوامل موثر بر مشارکت بسیاری از محققان برآنند که تغییر در نرخ گرایش های سیاسی و اجتماعی با زیر مجموعه های ساختاری و غیرساختاری منبعث از گویه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و قومی و مذهبی عامل مهمی مطالعات انتخاباتی حوزه جامعه شناسی ایران محسوب می گردد.

در مقاله حاضر مطالعه مشارکت انتخاباتی در قالب بسیج منابع توسط افراد و گروه های خواهان قدرت در عرصه مجلس شورای اسلامی مورد واکاوی قرار گرفت. بدین منظور نظریه انقلابی و تحول مدار بسیج منابع چارلز تیلی امکان تحلیل تحول در قالب انتخابات مجلس بر مبنای رصد فرصت های انتخاباتی در اختیار مطالبه گران قدرت می گذارد. مطابق با این نظریه، بسیج منابع مردمی، اقتصادی و قهری در قالب چهار عنصر جمعیت، ایدئولوژی، رهبری و سازماندهی می تواند به مشارکت حداکثری کمک رساند. به طوری که نیازهای هر دو طرف قدرت یعنی نمایندگان و مردم را برآورده سازد. در این مقاله تلاش شد تا با برجسته سازی منابع بویژه در ابعاد مردمی و اقتصادی، عناصر چهارگانه مورد بازبینی قرار گیرد .برآیند مقاله حاضر ارائه راه کارهایی است که نمایندگان داوطلب در عرصه قدرت با استفاده از تهدیدهای موجود نسبت به کاهش مشارکت، آنها را به فرصت های مشارکتی در راستای اهداف خویش بدل نمایند. این تهدیدها که در واقع ناکارآمدی مجلس وقت است منجر به ساخت محرومیت های عینی و انگیزشی در افراد شده است، می تواند با استفاده از امکانات جمعیتی و قومی، ایدئولوژی همسو با دغدغه های مردمی، وعده های حزبی مبتنی بر ساخت آینده ای مطلوب، سازماندهی جمعی و درون شبکه های به فرصتی در ساخت مشارکت حداکثری تبدیل شود. در کل، اگر کاندیداها یا نمایندگان در انتخابات مجلس از درون گروه ه ها یا سازمان های حزبی بیرون آیند به علت داشتن برنامه های مدون و از قبل معلوم در قالب فعالیت های حزبی در چرخه انتخابات ،در جذب مردم به مشارکت موفق تر خواهند بود.

منابع و مآخذ:

آبرکرامبی، نیکلاس،(۱۳۷۶) ، **فرهنگ جامعه شناسی**، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش

آلموند. جی آی و پاول، جی بی. (۱۳۸۰)، « مشارکت و حضور سیاسی شهروندان »، **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، سال هجدهم. شماره۱۶۳-۱۶۴.

احمدوند، شجاع،(۱۳۸۸) ، « بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب ساندنیستی نیکاراگوئه » ،**پژوهش نامه علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره چهارم، پاییز .

بدیع، برتران،(۱۳۷۹) ، **توسعه سیاسی**، ترجمه: احمد نقیب زاده، تهران: نشر قومس.

بشلر، ژان،(۱۳۷۰) ، **ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی غربی**، ترجمه: علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

بشیریه، حسین ،(۱۳۶۸)، « مکتب فرانکفورت، نگرش انتقادی، نقد آیین اثباتی و جامعه نو »، **مجله سیاست خارجی**، شماره ۴. سال سوم. دی و بهمن

بشیریه، حسین ، (۱۳۸۷)، **انقلاب و بسیج سیاسی**، چاپ هفتم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

بصیری، محمدعلی و شادی وند، د،(۱۳۸۰)، « رفتار انتخاباتی در جوامع مبتنی بر فرهنگ عشیره ای: مطالعه موردی حوزه دهلران »، **مجله راهبرد**، شماره ۷ و ۸.

پالمر، مونتنی و اشترن، لاری، (۱۳۶۷)، **نگرش جدیدی به علم سیاست**،ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.

روزنامه شرق،(۱۳۹۸) ، **فراکسیون زنان مجلس در بوته نقد**، پروین گنجی، شماره ۳۵۵۱، مهر ماه.

ساعی ،احمد،(۱۳۸۸)، **توسعه نیافتگی در دوران پسا استعماری**.تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

سید امامی، کاووس و عبدالله عبدالمطلب، (۱۳۸۹) ، « عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، مطالعه موردی شهر تهران»،**پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره چهارم.

شبکه خبر، (۱۳۹۷/۰۹/۱۰)، نقاط قوت و ضعف مجلس در بوته نقد مجلسی ها، **برنامه تیتر امشب**، کد خبر:۶۴۶۱۸۹.

شهیدی نیا، ع (۱۳۷۹) « عوامل موثر بر رفتار انتخاباتی ترجیحات رای دهی: رای دهندگان استان کرمانشاه طی دوره اول تا پنجم مجلس شورای اسلامی از دیدگاه کارشناسان استان کرمانشاه » **پایان نامه**، تهران: دانشکده اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

کلایو اسمیت، برایان،(۱۳۸۰) ، **فهم سیاست جهان سوم**، مترجمان: امیرمحمد حاجی یوسفی و محمد سعید قائنی نجفی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه.

گلابچی، محمد،(۱۳۸۴)، « نقش پندارهای حزبی در رفتار انتخاباتی »، **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۲۱۵-۲۱۶.

مصفا ، نسرین، (۱۳۷۵) ، **مشارکت سیاسی زنان در ایران**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

Amir Arjomandi, S. "Iran's Islamic Revolution in Comprative Perspective", **World Politics**, Vol. 38, April, 1986.

Bakhash,SH.(1983), **The Reign of Ayatollahs: Iran and the Islamic Revolution**, (New York: Basic Books, chap2).

Dowse,R. E., Jon A. Hughes (1986), **Political Sociology**, New York: John Wiley & Sons, 1986

.Etzioni, A. (1968), **The Active Society**, New York: Free Press.

Green, J. (1984), "Countermobilization as A Revolutionary Form", **Comparative Politics**, 16, No. 2, , p. 84, quoted in: Mehran Kamrava, Op., Cit., p. 4.

Marx, K. , (1967), **German Ideology**, (Moscow).

Lawrence L., Richard G. Niemi, and Pippa Norris,(1996), **Comparing Democracies, Elections and Voting in Global Perspective**, London: SAGE Publications.

McCarthy, J. D. and Mayer N. Zald, (2006), **Resource Mobilization Theory: Vigorous or Outmoded?**", in :Jonathan H.,Turner (ed), Handbook of Sociological Theory, Springer.

Obershall, A. (1973), **Social Conflict and Social Movement**, (Englewood Cliefs, New Jersey, Printice Hall, 1973), Quoted in: Tilly.

Taylor, C. L., Jodice, D. A. (1983). **World Handbook of Political and Social Indicators III**. New Haven, CT: Yale Univ. Press. 587

Tilly, C. (1978), **From Mobilization to Revolution**, (Addison Wesley Publishing Company.